قتل به خاطر بلند حرف زدن با تلفن همراه!

مرد لبنیات‌فروش که یک سال قبل رهگذری را به خاطر بلند حرف‌زدن با تلفن همراهش به قتل رساند، روز گذشته محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار ما، هفدهم فروردین ماه سال ۹۵ مأموران پلیس از قتل مرد جوانی در خیابان مسعودیه تهران باخبر و راهی محل شدند. یکی از شاهدان گفت: ساعتی قبل صاحب لبنیاتی با مقتول درگیر شد، اما اهالی آنها را از هم جدا کردند. لحظاتی قبل اما مقتول همراه دوستانش وارد مغازه لبنیاتی شدند و با چاقو به صاحب مغازه حمله کردند. در جریان درگیری اما مرد جوان مجروح شد. وقتی امدادگران در محل حاضر شدند، گفتند که او فوت شده است. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی صاحب لبنیاتی که مردی ۳۱ ساله به نام مجید بود، بازداشت شد. او در بازجویی‌ها گفت: «قبل از حادثه مقتول کنار مغازه‌ام مشغول صحبت کردن با تلفن همراهش بود. او حین صحبت حرف‌های زشتی می‌زد، به همین خاطر مجبور شدم به او تذکر بدهم، اما او ناراحت شد و با هم درگیر شدیم که با میانجیگری اهالی درگیری تمام شد. ساعتی بعد اما او با دوستانش سراغ من و برادرم آمدند و با چاقو حمله کردند. آنجا بود که برای دفاع از خودم با تیغ حلب‌بری به او ضربه زدم.» با اقرارهای متهم، برادر او نصرالله ۳۶ ساله نیز بازداشت شد و هر دو متهم بعد از مراحل بازجویی و بازسازی صحنه جرم روانه زندان شدند. پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی قربان‌زاده فرستاده شد و متهمان روز گذشته پای میز محاکمه قرار گرفتند. ابتدای جلسه بعد از قرائت کیفرخواست اولیای دم درخواست قصاص کردند. سپس متهم ردیف اول به اتهام مباشرت در قتل عمد در جایگاه ایستاد و گفت: «قتل را قبول ندارم.» در ادامه در شرح ماجرا گفت: «شب حادثه من و برادرم در مغازه مشغول کاسبی بودیم که متوجه شدیم مقتول نزدیک مغازه مشغول صحبت کردن با تلفن همراهش است. او عصبانی بود و از شدت عصبانیت متوجه حرف زدنش نبود و فحش و ناسزا می‌گفت. به او معترض شدم و گفتم اینجا محل کسب است و نباید جلوی زن و بچه مردم این حرف‌ها را بزنی. او عصبانی بود و با این تذکر به من حمله کرد، اما درگیری با پادرمیانی اهل محل خاتمه یافت. متهم در ادامه گفت: مقتول دست بردار نشد و بعد از ساعتی او را دیدم که با دوستانش به سمت مغازه می‌آیند. وقتی وارد شدند با چاقو و گاز اشک‌آور حمله کردند. از ضربات چاقوی او بود که سر و صورتم زخمی شد و خون صورتم را گرفته بود. برای دفاع از خودم تیغ حلب‌بری روی میز را برداشتم و در هوا چرخاندم تا شاید از ترس فرار کنند که ناگهان متوجه نشدم و به گردن مقتول خورد.»

در ادامه برادر او به اتهام شرکت در نزاع در جایگاه قرار گرفت و با تأیید توضیحات برادرش رو به هیئت قضایی در آخرین دفاعش گفت: «باور کنید سال‌ها در آن محل کاسبی می‌کنیم و کسی را اذیت نکرده‌ایم. آن شب به خاطر آبرو و رعایت حال مشتری‌ها به مقتول تذکر دادیم، اما او خیلی عصبانی بود به همین خاطر مجبور شدیم برای حفظ جانمان از خودمان دفاع کنیم. از خانواده اولیای دم تقاضا دارم من و برادرم را ببخشند.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

اعتراف به قتل رفیق صمیمی به خاطر یک استکان چای!

مرد محکوم به قصاص که به خاطر چای صبحانه دوستش را به قتل رسانده‌است، با پرداخت دیه از مرگ فاصله گرفت.

به گزارش خبرنگار ما، دی‌ماه سال ۸۳ بود که مأموران کلانتری ۱۷۴ قیامدشت، جسد مردی را در حاشیه شهر کشف کردند. شواهد نشان می‌داد مرد جوان در محل دیگری به قتل رسیده و جسدش به این محل منتقل شده است. بعد از شناسایی هویت مقتول یکی از دوستانش که مرد ۳۰ ساله‌ای به نام برات بود، بازداشت شد. او در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: «حیدر را به خاطر یک استکان چای کشتم.» او در توضیح بیشتر گفت: «من و حیدر مدت‌ها با هم دوست بودیم. صبح روز حادثه از خواب بیدار شدم و رفتم نان تازه‌ای خریدم و آمدم. بعد از آماده شدن چای، حیدر از خواب بیدار شد. سفره انداختم و دو استکان چای ریختم. یکی از استکان‌ها دستم بود که حیدر آنرا از دستم قاپید و نوشید. به او اعتراض کردم اما او لج کرد و استکان چای دیگری که در سینی بود را برداشت و سر کشید.» متهم در ادامه گفت: «با این رفتار عصبانی شدم و با هم درگیر شدیم. او فحش و ناسزا گفت به همین خاطر با چاقو به او چند ضربه زدم و بعد از آن جسدش را به خیابان خلوتی در پشت شهرداری بردم و رها کردم.»

به دنبال اعترافات متهم و بازسازی صحنه جرم، متهم روانه زندان شد و پرونده به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه رسیدگی، اولیای دم درخواست قصاص دادند و متهم بار دیگر ماجرا را شرح داد. در پایان هیئت قضایی بعد از شور متهم را بنا به درخواست اولیای دم به قصاص محکوم کرد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد و بعد از تأیید در آستانه اجرا اقرار داشت که متهم توانست با پرداخت ۵۰ میلیون دیه از چوبه‌دار فاصله بگیرد. به این ترتیب متهم روز گذشته از جنبه عمومی جرم در همان شعبه به ریاست قاضی زالی پای میز محاکمه قرار گرفت. با اعلام رسمیت جلسه متهم در دفاع از خودش گفت: «باور کنید قصد کشتن نداشتم و او دوست چندساله من بود، اما روز حادثه به خاطر لجبازی‌هایش با هم درگیر شدیم. وقتی دستگیر شدم ۳۰ ساله بودم اما حالا ۴۳ سال دارم. پشیمانم که بهترین سال‌های عمرم در زندان گذشت. حالا از قضات دادگاه تقاضا دارم با توجه به گذشت اولیای دم در مجازاتم تخفیف قائل شوند.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد و متهم با احتساب روزهای بازداشت به زودی آزاد خواهد شد.

واژگونی اتوبوس مسافربری این بار با ۳۷ کشته و زخمی

۱۱ روز پس از واژگونی اتوبوس حامل دانش‌آموزان دختر هرمزگانی که ۹ کشته و ۳۴ زخمی برجای گذاشت سحرگاه دیروز سقوط یک اتوبوس ولوو مسافربری به دره‌ای در آبعلی ۳۷ کشته و زخمی برجای گذاشت. ساعتی بعد از حادثه دادستان تهران با حضور در محل از تشکیل پرونده قضایی برای این سانحه خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما، این اتوبوس با ۳۷ مسافر از کرج به سمت شهرستان ساری در حال حرکت بود که ساعت ۲:۲۵ در کیلومتر ۵ محور تهران- آبعلی به داخل دره سقوط کرد و حادثه مرگباری دیگر را رقم زد. وقتی پلیس و امدادگران در محل حاضر شدند معلوم شد که ۱۱ نفر از مسافران جان باخته‌اند و ۲۶ نفر دیگر که مجروح شده بودند به بیمارستان‌های شهر منتقل شدند. سرهنگ نادر رحمانی، رئیس مرکز اطلاعات و کنترل ترافیک پلیس راهور ناجا نقص فنی سیستم ترمز را علت سقوط اتوبوس اعلام کرده است. سردار محمد حسین حمیدی، رئیس پلیس راه هم گفت: اتوبوس بعد از خارج شدن از تهران و در یکی از پیچ‌های محور جاجرود از مسیر خارج شده و بعد از برخورد با نیوجرسی‌های حاشیه راه، به عمق ۱۰۰ متری دره‌ای سقوط کرد. سرعت اتوبوس در لحظه سقوط ۵۰ کیلومتر بر ساعت بوده است. وی توضیح داد: هر دو راننده اتوبوس زنده هستند و برابر گزارش سامانه سپهتن سرعت اتوبوس ۲۰ ثانیه قبل از سقوط ۵۹ کیلومتر بر ساعت و مجاز بوده است. وی گفت: همچنین ساعت رانندگی راننده نیز مجاز بوده است. وی ادامه داد: این اتوبوس متعلق به شرکت آریا سفر استان البرز بود.

سردار حمیدی در خصوص علت وقوع این سانحه، اما گفت: بررسی‌های اولیه کارشناسان پلیس نشان می‌دهد که سابقه راننده این اتوبوس، وضعیت راه و همچنین مدارک فنی وسیله نقلیه مشکلی نداشته و هنوز علت نهایی وقوع این سانحه مشخص نیست و نیازمند بررسی‌های کارشناسی بیشتر است.

دکتر عباس جعفری دولت‌آبادی هم با حضور در محل حادثه، دستور فوری برای تشکیل پرونده قضایی را صادر کرد و مقرر شد تیم کارشناسی تصادفات در محل حضور یافته و در خصوص علت تامه حادثه بررسی و اظهار نظر کنند. وی از بابایی، سرپرست دادسرای ناحیه چهار تهران خواست برای رسیدگی سریع و دقیق به این پرونده، بازپرس ویژه تعیین کند و از رانندگان اتوبوس‌ها، سرنشینان مصدوم و مطلعان حادثه به قید فوریت تحقیق به عمل آید.

دادستان تهران تأکید کرد با توجه به اهمیت جان انسان‌ها، از دستگاه‌های اجرایی مرتبط با حمل و نقل شهری و جاده‌ای می‌خواهیم به منظور جلوگیری از تکرار اینگونه حوادث، اقدامات پیشگیرانه را به طور جدی در دستور کار خود قرار دهند.

اقرار خواننده زیرزمینی به قتل مدیر استودیو بعد از عقد قرار داد

یک میکروفن سرقت کردیم

خواننده زیرزمینی که با همدستی یک از دوستانش مدیر استودیو ضبط صدا را با انگیزه سرقت به قتل رسانده‌بود، جزئیات حادثه را شرح داد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۶ روز پنج‌شنبه نهم شهریورماه بود که به قاضی منافی‌آذر، بازپرس ویژه قتل تهران خبر رسید حادثه‌ای خونین در یک استودیوی ضبط صدا در شهرک ولی‌عصر اتفاق افتاده است. لحظاتی بعد از حادثه بازپرس همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران در محل حاضر شد. جسد متعلق به مردی ۲۴ ساله به نام پوریا بود که با اصابت شش گلوله به قتل رسیده بود. مردی که پلیس را از ماجرا با خبر کرده بود، اولین کسی بود که مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت: پوریا شریک کاری من بود. لحظاتی قبل وقتی وارد اتاق ضبط صدا شدم با جسد او مواجه شدم و به پلیس خبر دادم. تحقیقات تیم بررسی صحنه جرم حکایت از این داشت که عامل یا عاملان حادثه بدون هیچ درگیری وارد محل شده بودند. همچنین معلوم شد که گلوله‌ها از اسلحه کمری و از فاصله خیلی نزدیک شلیک شده است.

بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی کارآگاهان با بررسی اوراق داخل محل متوجه شدند، پوریا ساعت ۱۵ با یکی از خوانندگان زیرزمینی که پسری ۱۸ ساله به نام رضا. س بود یک قرارداد کاری امضا کرده است. از آنجا که احتمال می‌رفت رضا در جریان حادثه نقش داشته باشد کارآگاهان راهی محل زندگی رضا در منطقه مرتضی گرد شدند، اما فهمیدند که او بعد از حادثه به خانه‌شان مراجعه نکرده است. بررسی‌های گام به گام پلیس در این باره ادامه داشت تا اینکه رضا دو روز قبل بازداشت شد و در اولین بازجویی‌ها به ارتکاب قتل با همدستی دوست ۱۸ ساله‌اش مهدی.م اعتراف کرد. با نشانی‌هایی که رضا در اختیار پلیس گذاشت مهدی هم بازداشت شد و حرف‌های همدستش را تأیید کرد. رضا در شرح حادثه گفت: من از دو سال قبل به صورت حرفه‌ای شروع به خوانندگی کردم. همان سال، اولین آهنگم را در استودیوی مقتول که آن زمان در منطقه مرتضی گرد بود، ضبط و روانه بازار کردم. بعد از آن با کمک مقتول چند آهنگ دیگر هم تولید کردم که آخرین آن مربوط به اسفندماه سال قبل بود.

متهم درباره انگیزه قتل هم گفت: مقتول استودیوی مجهزی داشت به خاطر همین تصمیم گرفتم تا او را به قتل برسانم و تجهیزات او را سرقت کنم. برای ارتکاب قتل به اسلحه نیاز داشتم، به خاطر همین راهی شهری در غرب کشور شدم و اسلحه و فشنگ لازم را خریدم. بعد نقشه را با مهدی که از دوستانم بود در میان گذاشتم و او هم قبول کرد در اجرای نقشه به من کمک کند. ساعت ۱۵ روز حادثه همراه مهدی به بهانه عقد قرارداد راهی دفتر کار پوریا در شهرک ولی‌عصر شدم. بعد از عقد قرارداد به بهانه تست صدا وارد اتاق ضبط شدیم. همان جا اسلحه را از زیر لباسم بیرون کشیدم و شش گلوله به او شلیک کردم که در دم کشته شد. بعد هم تجهیزات داخل استودیو را سرقت کرده و از محل خارج شدیم. بعد از اعتراف متهم مأموران پلیس راهی خانه متهم شده و اسلحه کمری و تجهیزات سرقت شده را کشف کردند. سرهنگ کارآگاه حمید مکرم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات بیشتر از دو متهم در جریان است.

■ پدر و مادر مقتول چه گفتند

پدر مقتول که روز گذشته در دادسرا حاضر شده بود، به خبرنگار ما گفت: پسرم چندین سال است پیش خودم در تراشکاری کار می‌کرد، اما به خاطر عشقی که به موسیقی داشت، رشته گرافیک را انتخاب کرد و دانشجوی دانشگاه یادگار امام بود. او از پنج سال قبل وارد این حرفه شد و ابتدا در یکی از اتاق‌های خانه‌مان شروع به کار کرد و بعدها هر چند سال یک بار دفتر کاری اجاره می‌کرد. این اواخر او مغازه لباس‌فروشی اجاره کرده بود تا در کنار کار موسیقی درآمد دیگری هم داشته باشد. پسرم علاوه بر کار صدا و میکس علاقه به خوانندگی هم داشت و گاهی هم می‌خواند. دفتر محل کارش را در شهرک ولیعصر چند ماهی بود، اجاره و با تعدادی خواننده هم قرارداد کاری امضا کرده بود. مادر مقتول هم در حالی که اشک پهنای صورتش را پوشانده و عکس پسرش را در دست گرفته بود، به خبرنگار ما گفت: پسرم عاشق کارش بود و در مقابل کارش احساس مسئولیت داشت. آن روز او به خاطر قراری که با قاتل داشت، ناهار نخورد و به محل کارش رفت. تلفنی از من خواست برای او ناهار بپزم و من منتظر پسرم بودم تا با هم ناهار بخوریم، اما خبر قتل او را به من دادند. پسرم مدتی قبل موسیقی برای یادمان شهدای آتش‌نشانی صدا گذاری کرد و از صدا و سیما هم پخش شد. چند روز قبل از حادثه برای تشکر از پدرش کلیپی خواند. قرار بود به زودی با نامزدش ازدواج کند، اما قاتل پس از حادثه حلقه نامزدی او را هم سرقت کرده بود.

گفت‌وگو با متهم

خودت را معرفی کن؟

رضا سوری هستم. الان هم ۱۸ سال و چند ماه سن دارم.

چه کاره‌ای؟

من خواننده زیرزمینی هستم.

خواننده دیگری به همین نام فعالیت می‌کند با شما نسبتی دارد؟

نه نسبتی ندارم. او پاپ می‌خواند و من رپ می‌خوانم.

به چه لقبی معروف هستی؟

من تازه برای خودم لقب «رضا تک» را انتخاب کرده بودم و قرار بود وقتی آلبوم را منتشر کردم با این نام باشد.

قبل از خوانندگی به چه کاری مشغولی بودی؟

خیاط بودم.

چه شد که به خوانندگی علاقه پیدا کردی؟

صدای خوبی دارم. به همین دلیل دوستانم تشویق کردند آلبوم منتشر کنم.

تا الان آلبوم هم منتشر کردی؟

نه، قرار بود اولین آلبوم با ۱۰ ترک به زودی منتشر شود. چهار ترک آن آماده بود و شش ترک مانده بود که این اتفاق افتاد.

چطور با مقتول آشنا شدی؟

دو سال قبل با او آشنا شدم. آن زمان از طریق دوستانم برای صدا گذاری اولین ترکی که خوانده بودم به مقتول معرفی شدم. در این مدت او چهار ترک برای من صداگذاری کرد و من برای هر ترک ۲ میلیون تومان به او دادم و قرار بود شش ترک دیگر هم برای من صداگذاری کند تا پس از کامل شدن، آلبوم را منتشر کنم که این اتفاق افتاد.

پس از قبل با مقتول رفت و آمد داشتی؟

بله. در این مدت برای موزیک چهار ترکم حدود ۵۰ بار به استودیوی او رفته بودم.

چرا تصمیم به قتل گرفتی؟

من قصد سرقت داشتم، اما به قتل پایان یافت.

چرا سرقت؟

مدتی قبل ۵۰ میلیون تومان از دوستانم قرض گرفتم تا در کار موسیقی سرمایه‌گذاری کنم، اما یک کار اشتباه همه سرمایه‌ام را از بین برد تا اینکه در رفت و آمدهایی که به استودیوی مقتول داشتم، تصمیم گرفتم وسایل استودیو را سرقت کنم.

اسلحه را برای همین سرقت خریدی؟

نه. من علاقه زیادی به اسلحه کلت داشتم. سه ماه قبل این اسلحه را به مبلغ ۱۰ میلیون تومان از شهر مرزی خریدم.

درباره روز حادثه توضیح بده؟

آن روز طبق قرار قبلی به استودیو رفتیم. پس از بستن قرارداد، دوستم او را داخل دفتر سرگرم کرد و من هم از فرصت استفاده کردم و به اتاق صدا رفتم تا وسایل را سرقت کنم که مقتول متوجه نیت ما شد و به داخل اتاق صدا آمد و مانع سرقت شد. او به طرف من حمله کرد و من هم با اسلحه او را هدف قرار دادم و پیاپی شلیک کردم.

چه سرقت کردی؟

من کیف مدارک و کارت‌های عابرش و به همراه میکروفن صدا که حدود ۴ میلیون تومان قیمت داشت، سرقت کردم.

فکر می‌کردی دستگیر شوی؟

نه. چون افراد زیادی به استودیو رفت و آمد داشتند و فکر نمی‌کردم پلیس به ما مظنون شود. فکر می‌کردم اگر پلیس تا سه روز اول به سراغ ما بیاید، یعنی به ما مشکوک شده در غیر این صورت به ما مشکوک نشده است. به همین دلیل سه روز اول ما بیشتر در خانه مخفی بودیم و خیالم راحت بود که پلیس به ما مشکوک نشده است، اما روز دوشنبه برای خرید نان از خانه‌مان بیرون آمدم که مأموران پلیس مرا داخل خیابان دستگیر کردند.

حادثه هولناک به خاطر قهر همسر

«به خاطر همسرم و دخالت‌های دو برادر زنم که ۲۰ میلیون تومان به من خسارت زده‌اند، دست به این حادثه خونین می‌زنم». این دست نوشته مرد سنگدلی است که دو دختر جوانش را به طرز هولناکی به قتل رساند و سپس به زندگی‌اش پایان داد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۳ شامگاه دوشنبه بیستم شهریور ماه قاضی ایلخانی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۲۶ تهرانپارس از قتل دو دختر جوان در خانه‌شان خیابان ۱۹۸ شرقی حوالی فلکه سوم تهرانپارس با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم راهی محل شدند.

تیم جنایی در محل حادثه که آپارتمان ۱۲۰ متری در طبقه اول ساختمان مسکونی بود با جسد غرق در خون دو خواهر ۱۶ و ۲۱ ساله به نام‌های سوگند و سولماز داخل آشپزخانه روبه‌رو شدند که با اصابت ضربات متعدد قداره به قتل رسیده بودند. مأموران در بازرسی از محل حادثه قداره‌ای خونین کشف کردند که حکایت از آن داشت پدر خانواده دو دخترش را به قتل رسانده و سپس با خوردن سیانور اقدام به خودکشی کرده است. همچنین مشخص شد قاتل بعد از حادثه موضوع را تلفنی به خواهرش اطلاع داده که پس از آن خواهر مقتول از مأموران درخواست کمک می‌کند و مأموران پس از حضور در محل حادثه قفل در خانه را تخریب کرده و با جسدهای خونین دوخواهر و پیکر نیمه‌جان قاتل روبه‌رو می‌شوند. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت کارکنان بیمارستان تهرانپارس به قاضی ایلخانی خبر دادند قاتل به خاطر مسمومیت شدید ناشی از خوردن سیانور فوت کرده است.

تیم جنایی در بازرسی‌های بعدی محل حادثه با دست نوشته‌ای از قاتل روبه‌رو شدند که نوشته بود: «به خاطر همسرم و دخالت‌های دو برادر زنم که ۲۰ میلیون تومان به من خسارت زده‌اند دست به این حادثه خونین می‌زنم.»

تحقیقات میدانی مأموران نشان داد قاتل از مدتی قبل با همسرش اختلاف داشته به طوریکه ۴۰ روز قبل همسرش او و دخترانش را رها کرده و به خانه پدرش رفته است.

عمه دو مقتول گفت: مدتی است برادرم با همسرش اختلاف دارد. ساعتی قبل در خانه بودم که برادرم تلفنی با من تماس گرفت. او حالش خوب نبود و به سختی حرف می‌زد. برادرم به من گفت که دو دخترش را به قتل رسانده و خودش هم سیانور خورده است. در حالی که به شدت شوکه شده بودم با خانه‌شان تماس گرفتم، اما کسی تلفن را جواب نداد به همین دلیل نگران شدم و بلافاصله با اداره پلیس تماس گرفتم و موضوع را توضیح دادم.

یکی از همسایه هم گفت: زمان اذان بود که صدای درگیری از خانه آنها به گوشم رسید. دختر مقتول به پدرش التماس می‌کرد که خواهرش را کتک نزند. من بلافاصله به در خانه‌شان رفتم، اما پس از سه‌دقیقه صدای درگیری آنها قطع شد و من فکر کردم درگیری آنها تمام شده و اصلاً انتظار این حادثه را نداشتم. همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسدها به دستور قاضی ایلخانی برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد. یکی از همسایه‌ها به خبرنگار ما گفت: این خانه متعلق به مادر قاتل بود که بعد از فوتش پسرش همراه خانواده‌اش در این خانه زندگی می‌کردند. آنطور که ما شنیده بودیم قاتل اعتیاد به تریاک داشت و آنها به خاطر همین موضوع با هم اختلاف داشتند. قاتل مرد بداخلاقی بود و همیشه با همسرش داد و فریاد داشت، اما همسرش زن خوبی بود. قاتل تعمیرکار شوفاژ بود و همسرش همراه دختر بزرگش در یک فروشگاه کار می‌کردند، اما دختر کوچکش محصل بود. لحظه حادثه ما صدای درگیری آنها را شنیدیم، اما وقتی پشت در خانه آنها رفتیم صدا قطع شد و ما فکر کردیم درگیری آنها تمام شده است تا اینکه مأموران پلیس به خانه آنها آمدند و ما با صحنه هولناکی روبه‌رو شدیم. ما به خیال اینکه همه چیز تمام شده به خانه‌هایمان رفتیم و اصلاً فکر نمی‌کردیم او دست به این جنایت بزند. وی در پایان گفت: قاتل آنقدر با چاقو به بدن دخترانش ضربه زده بود که همه بدن آنها سوراخ بود و خون همه خانه را فراگرفته بود.

عامل شهادت مأمور پلیس به هلاکت رسید

سارق مسلح چند طلافروشی و عامل شهادت مأمور پلیس در شهرستان گچساران با شلیک گلوله مأموران به هلاکت رسید.

شامگاه شنبه، ۱۸ شهریورماه مأموران پلیس شهرستان گچساران مخفیگاه یک شرور تحت تعقیب را در روستای شامبراکان این شهرستان شناسایی کرده و برای بازداشت وی راهی محل شدند. متهم که کوروش پورسیامک نام داشت به اتهام سرقت مسلحانه از چند طلافروشی در استان‌های اصفهان، فارس، یزد و کهگیلویه و بویراحمد تحت تعقیب بود. مرد شرور که از حضور پلیس باخبر شده بود به سمت مأموران تیراندازی کرد که در جریان آن فرزادیان، یکی از مأموران پلیس آگاهی به شهادت رسید و مرد شرور از محل متواری شد. بعد از آن بود که تلاش برای بازداشت مرد شرور بار دیگر به جریان افتاد. مأموران پلیس آخرین مخفیگاه قاتل فراری را در شهرستان دهدشت شناسایی و سحرگاه دیروز محل را محاصره کردند. متهم که قصد فرار داشت به سمت مأموران تیراندازی کرد، اما این بار هدف گلوله پلیس قرار گرفت و به هلاکت رسید. دو همدست متهم، اما بازداشت شدند. سردار مهدی انصاری، فرمانده انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد گفت: تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

اعتراف به قتل همسر

مردی که متهم است بعد از قتل همسرش در شهرستان خمام، جسد وی را سوزانده بود، بازداشت شد و به جرمش اعتراف کرد.

یک هفته قبل بود که به مأموران پلیس شهرستان خمام خبر رسید که جسدی سوخته حوالی یکی از روستاهای شهر کشف شده است. بررسی‌های پلیس حکایت از این داشت که جسد متعلق به زنی جوان است که در محل دیگری به قتل رسیده و بعد از انتقال به این مکان سوزانده شده است.

بررسی‌ها در این باره جریان داشت تا اینکه مردی میانسال به پلیس خبر داد دخترش به طور ناگهانی ناپدید شده است. او گفت: دخترم از مدتی قبل با شوهرش اختلاف داشت. وقتی برای دیدنش به خانه‌اش رفتم شوهرش گفت که از او خبر ندارد. او مدعی شد که دخترم یک هفته قبل به حالت قهر خانه را ترک کرده است. بعد از مطرح شدن شکایت مأموران پلیس احتمال دادند که جسد کشف شده متعلق به دختر شاکی باشد. مرد میانسال بعد از دیدن تصاویر جسد سوخته هویت دخترش را شناسایی کرد. بعد از کشف هویت، مأموران پلیس شوهر ۴۱ ساله مقتول را به عنوان مظنون بازداشت کردند. او در بازجویی‌ها به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت به خاطر اختلاف خانوادگی همیشه با همسرم مشاجره داشتم. شب حادثه بعد از بالا گرفتن دعوا او را به قتل رساندم و جسدش را حوالی یکی از روستاها آتش زدم.

سرهنگ رحیم شعبانی، فرمانده انتظامی شهرستان رشت گفت: تحقیقات بیشتر از متهم در جریان است.

راننده تاکسی کیف طلا را به صاحبش رساند

راننده امانت‌دار تاکسی در شهرستان لار طلاهای جامانده در خودرو را به صاحبش برگرداند.

مدیر عامل سازمان حمل و نقل همگانی شهر لار گفت: هاشم مهدویان، راننده تاکسی لاری، طلا و جواهراتی که در خودروی او جا مانده بود را به صاحبش بازگرداند. محمد امین منتظری افزود: راننده تاکسی کیف حاوی طلا و جواهر را در خودروی خود پیدا کرد و به سازمان حمل و نقل همگانی شهر لار تحویل داد. وی گفت: طلا و جواهرات پیدا شده ۱۲ میلیون تومان ارزش داشت که به صاحبش بازگردانده شد.

آگهی رونوشت حصر وراثت

خواهان رونوشت حصر وراثت مریم سالاری فرزند احمدعلی دارای شناسنامه ۲۶۳۲۱ صادره از زاهدان به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۶۰۳۲۴ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مهدی رستمی فرزند رضا به شناسنامه ۶۵۱ صادره از حوزه یک زاهدان در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۱ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفته و ورثه حین الفوت آن منحصر است به: ۱. متقاضیه با مشخصات فوق الذکر همسرمتوفی ۲. محمد رضا رستمی فرزند مهدی به ش.ملی: ۳۶۱۳۶۶۵۱۸۲ صادره از زاهدان فرزند متوفی ۳. محدثه رستمی فرزند مهدی به ش.ملی: ۳۶۱۰۹۸۵۵۱۸ صادره از زاهدان فرزند متوفی ۴. محبوبه رستمی فرزند مهدی به ش.ملی: ۳۶۱۱۱۰۶۲۵۹ صادره از زاهدان فرزند متوفی ۵. مرضیه رستمی فرزند مهدی به ش.ملی: ۳۶۱۱۶۳۲۰۲۳ صادره از زاهدان فرزند متوفی ۶. مائده رستمی فرزند مهدی به ش.ملی: ۳۶۱۲۳۵۸۰۶۵ صادره از زاهدان فرزند متوفی ۷. محیا رستمی فرزند مهدی به ش.ملی: ۳۶۱۳۶۶۵۱۴۱ صادره از زاهدان فرزند متوفی ۸. رضا رستمی فرزند علی به ش. ملی: ۱- م صادره از حوزه ۵ زابل پدر متوفی. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه‌ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به این دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. / م الف: ۲۰۷۰

محمدرضا طاهری نسب- قاضی شورای حل اختلاف شماره ۲ زاهدان

آگهی رونوشت حصر وراثت

خواهان رونوشت حصر وراثت حمیرا جهان تیغ فرزند عباس دارای شناسنامه ۸۸ صادره از حوزه ۶ زابل به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۶۰۳۲۲ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان غلامرضا جهان تیغ فرزند علی اکبر به شناسنامه ۱ صادره از حوزه ۸ زابل در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۲ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفته و ورثه حین الفوت آن منحصر است به: ۱. متقاضیه با مشخصات فوق الذکر همسر متوفی ۲. مهدی جهان تیغ فرزند غلامرضا به ش.ش: ۱۱۱ صادره از حوزه ۶ زابل فرزند متوفی ۳.محمدامین جهان تیغ فرزند غلامرضا به ش.ملی: ۳۶۱۲۳۴۹۳۷۶ صادره از زاهدان فرزند متوفی ۴. زهرا جهان تیغ فرزند غلامرضا به ش.ملی: ۳۶۱۰۰۷۷۸۶۷ صادره از حوزه ۱ زاهدان فرزند متوفی ۵. افسانه جهان تیغ فرزند غلامرضا به ش.ملی: ۳۶۱۰۵۱۰۳۲۳ صادره از زاهدان فرزند متوفی ۶. فهیمه جهان تیغ فرزند غلامرضا به ش.ملی: ۳۶۱۰۶۸۶۲۹۴ صادره از حوزه ۱ زابل فرزند متوفی ۷. مهدیه جهان تیغ فرزند غلامرضا به ش.ملی: ۳۶۱۱۲۷۰۷۵۱ صادره از زاهدان فرزند متوفی ۸. هاجر جهان تیغ فرزند موسی به ش.ش: ۱۹۳۳ صادره از زابل مادر متوفی. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه‌ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به این دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

م الف: ۲۰۶۸ محمدرضا طاهری نسب- قاضی شورای حل اختلاف شماره ۲ زاهدان